

گنجینه‌ای میان مرمت و ر کود؛

وجود چالش در سرنوشت بافت تاریخی اصفهان

خانه‌ها، بازارها و گذرهای تاریخی اصفهان سرمایه‌ای تمدنی و اقتصادی‌اند؛ اما حفاظت از این میراث و پیوند آن با زندگی و رونق اقتصادی محله‌های قدیمی، همچنان چالشی جدی است.

به گزارش مهر، اصفهان را شهری می‌شناسیم که قرن‌ها در آن، معماری فقط برای ساختن سرپناه نبوده است؛ خانه‌ها، بازارها، گذرها، سراها و میدان‌هایش در کنار یکدیگر، شیوه‌ای از زندگی را شکل داده‌اند که حاصل پیوند هنر، اقتصاد، فرهنگ و روابط اجتماعی بوده است.

اما امروز، پرسش این است که از این میراث گسترده چه سهمی در زندگی جاری شهر باقی مانده است؟ وقتی خانه‌ای تاریخی مرمت می‌شود، اما محله پیرامون آن از ساکنان قدیمی خالی می‌ماند؛ وقتی بناهای ارزشمند به مقصدی برای بازدید تبدیل می‌شود، اما پیوندش با زندگی روزمره مردم سست‌تر می‌شود؛ و وقتی بخشی از تاریخ شهر در برابر چشم ما ایستاده، اما توان ساختن آینده را ندارد، آیا می‌توان از حفاظت میراث سخن گفت، بی‌آنکه درباره سرنوشت زندگی در آن پرسید؟ مسئله بافت تاریخی اصفهان فقط فرسودگی بناها یا کمبود سرمایه‌گذار نیست؛ مسئله، فاصله‌ای است که میان ارزش تاریخی این محفوده و توان آن برای تولید ثروت، حفظ سکونت و بازآفرینی زندگی شکل گرفته است.

باقی می‌کمی می‌تواند زمینه اشتغال، گردشگری، رونق کسب‌وکارهای محلی و تقویت هویت شهری را فراهم کند، در بخش‌هایی با گسست کالبدی، دشواری‌های رفت‌وآمد، هزینه‌های سنگین مرمت، مشکلات مالکیت و پراکندگی مدیریت روبه‌روست.

در چنین شرایطی، حتی مرمت موفق یک خانه نیز لزوماً به معنای احیای محله نیست؛ همان‌طور که افزایش رفت‌وآمد گردشگران، بهفتهایی تقصیم نمی‌کند که ساکنان قدیمی در شهر تاریخی خود بمانند یا منافع اقتصادی این حضور به جامعه محلی برسد.

تفاوت تجربه اصفهان با شهرهایی چون کاشان و یزد، این پرسش جدی را پیش می‌کشد که چرا شهری با چنین پشتوانه تمدنی و معماری، هنوز نتوانسته است همه ظرفیت‌های بافت تاریخی خود را به چرخه‌ای پایدار از ارزش آفرینی تبدیل کند؟ شاید پرسش اصلی این نباشد که اصفهان چه اندازه میراث تاریخی دارد؛ بلکه این باشد که چرا این میراث، با وجود همه ارزش‌هایش، هنوز نتوانسته است به اندازه ظرفیت خود برای شهر و شهروندانش زندگی و ثروت بسازد؟

۴ مرمت بناها بدون جان گرفتن محله‌ها

مژگان ابراهیمی، معمار و فعال حوزه مطالعات بافت تاریخی اصفهان، گستردگی و پراکندگی عناصر تاریخی را یکی از تفاوت‌های مهم اصفهان با برخی شهرهای موفق در احیای میراث می‌داند.

او در اظهار می‌کند: بافت تاریخی تنها از خانه‌ها، سراها، بازارها، بازارچه‌ها و چهارسوق‌ها تشکیل نشده، بلکه گذرها، کوچه‌ها، طاق‌ها و ساباط‌ها نیز اجزای پیونددهنده این مجموعه‌اند.

ابراهیمی می‌گوید: دندر گذر زمان، انسجام کالبدی بخش‌هایی از بافت تاریخی اصفهان از بین رفته و عناصر ارزشمند در نقاط مختلف شهر پراکنده شده‌اند. حتی در محدوده‌هایی که پیوستگی بیشتری دارند، بستر مدیریتی لازم برای بهره‌برداری اقتصادی از این سرمایه‌ها به‌طور مناسب فراهم نشده است. او گردشگری تاریخی را ظرفیتی برای درآمدزایی می‌داند، اما دلمه ثروت حاصل از میراث را فراتر از درآمد مالی تعریف می‌کند.

از نگاه ابراهیمی، حضور مردم در محله‌های تاریخی و تجربه فضاهای شهری، تلق شهروندان به شهر را تقویت می‌کند و زمینه تداوم پیوندهای فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

این معمار، نبود برنامه منسجم برای مرحله پس از مرمت را از مشکلات مهم احیای بافت تاریخی اصفهان معرفی می‌کند؛ زیرا مرمت یک بنا، بدون پیش‌بینی نحوه بهره‌برداری از آن و ارتباطش با محیط پیرامون، الزاماً به رونق اقتصادی منجر نمی‌شود.

۴ خانه‌های تاریخی احیا می‌شوند؛ اما برای چه کسانی؟

ابراهیمی یکی از مشکلات موجود را تکرار کاربری‌های مشابه در بناهای مرمت‌شده می‌داند و در ادامه می‌گوید: در برخی خانه‌های تاریخی، کافه، رستوران، هتل و اقامتگاه ایجاد شده، اما تنوع فعالیت‌ها و کاربری‌هایی که بتوانند گروه‌های بیشتری از مردم را بهرمند کنند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. او با اشاره به تجربه کاشان توضیح می‌دهد: در این شهر، امکان بازدید از برخی خانه‌های تاریخی با تهیه بلیت و هماهنگی فراهم شده است؛ در حالی که در اصفهان، تغییر شکل بعضی خانه‌ها برای استفاده اقامتی، امکان تجربه فضای تاریخی آن‌ها را محدود کرده است.

این کارشناس حوزه بافت تاریخی همچنین به وابستگی بخشی از فعالیت‌های اقامتی به شرایط اقتصادی و دوره‌های اوج و افت سفر اشاره می‌کند؛ موضوعی که می‌تواند بهره‌برداری از ظرفیت این بناها



را تحت تأثیر قرار دهد. او تأکید می‌کند: احیای بافت تاریخی باید با برنامه‌ای پیوسته برای بهره‌برداری همراه باشد؛ برنامه‌ای که علاوه بر خانه‌ها، سراها، چهارسوق‌ها، گذرها و حمام‌های تاریخی را نیز دربرگیرد و برای هر بخش، نقش مشخصی در زندگی اقتصادی و اجتماعی شهر تعریف کند.

ابراهیمی مدیریت یکپارچه را یکی از پیش‌نیازهای این تحول می‌داند؛ مدیریتی که هم توان هماهنگ‌سازی دستگاه‌های مسئول را داشته باشد و هم با تاریخ و فرهنگ اصفهان آشنا باشد.

از نگاه او، حضور ساکنان بومی و استمرار آداب و رسوم در محله‌ها، بخشی از سرمایه‌ای است که در فرایند احیا نباید نادیده گرفته شود.

او تأکید می‌کند: اگر شهر برای خود اصفهان‌های زنده، دلپذیر و جذاب باشد، گردشگران ایرانی و خارجی نیز از آن استقبال خواهند کرد. در این مسیر، مصوبات شوراهای تخصصی زمانی اثرگذار خواهند بود که نهادی توانمند، اجرای آن‌ها را پیگیری کند.

۴ اختلال در اهلیت؛ مسئله‌ای فراتر از سرمایه‌گذاری

سیدمحمد بهشتی شیرازی، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری کشور، مسئله بافت تاریخی اصفهان را با مفهوم «اختلال در اهلیت» توضیح می‌دهد؛ مفهومی که از نگاه او به کاهش پیوند میان مردم و کیفیت تاریخی و فرهنگی شهرهاشان اشاره دارد. او اظهار می‌کند: اصفهان، یزد و کاشان در دهه‌های اخیر با مسئله‌ای مشترک مواجه شده‌اند: کم‌رنگ شدن حضور و نقش آفرینی کسانی که کیفیت تاریخی این شهرها را شکل داده‌اند. او میان متولد شدن در یک شهر و برخورداری از اهلیت آن تفاوت قائل می‌شود و کیفیت زیستن، ساختن و رفتار کردن با شهر را در شکل‌گیری هویت شهری مؤثر می‌داند. عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری کشور برای توضیح این وضعیت به بخش‌هایی از توسعه جدید اصفهان اشاره می‌کند که در آن‌ها ویژگی‌های متمایزکننده شهر کهرنگ شده است. بهشتی این روند را نشانه اختلال در همان کیفیتی می‌داند که اصفهان را به اصفهان تبدیل کرده است.

او در پاسخ به پرسش درباره تفاوت اصفهان و کاشان، بازار تاریخی تبریز را نمونه‌ای از مشارکت اقتصادی جامعه محلی معرفی می‌کند و در ادامه می‌گوید: کسبه و فعالان بازار تبریز در مرمت و احیای این مجموعه نقش داشتند. هزینه‌های آن را تأمین کردند و این اقدام به دریافت جایزه آفاقان و ثبت بازار در فهرست میراث جهانی انجامید. بهشتی این تجربه را در برابر کم‌رنگ بودن مشارکت اقتصادی مشابه در اصفهان قرار می‌دهد و می‌بردس چرا اصفهانی‌هایی که پیشینیانشان بازار، میدان نقش‌جهان و دیگر عناصر شاخص شهر را ساخته‌اند، امروز به همان اندازه برای احیا و بهره‌برداری از میراث شهر خود پیشقدم نمی‌شوند.

او به حضور سرمایه‌گذارانی از تهران در احیای خانه‌های تاریخی کاشان اشاره می‌کند و می‌گوید: این فعالیت‌ها در اصفهان نیز ظرفیت گسترش دارند. او در عین حال، افزایش حساسیت عمومی نسبت به وضعیت میراث شهر را نشانه‌ای امیدوارکننده برای آینده می‌داند.

۴ میراثی که باید آینده تولید کند

علی توپچی، شهردار ناحیه ویژه تاریخی شهر اصفهان، مسئله را فراتر از چگونگی بهره‌برداری اقتصادی از بناهای تاریخی صورت‌بندی می‌کند. او بر ضرورت عبور از نگاه موزه‌ای و ایستا به میراث و حرکت به سمت مفهوم «شهر تاریخی زاینده» تأکید دارد؛ شهری که ضمن حفاظت از گذشته، امکان تولید ارزش‌های تازه را فراهم می‌کند. توپچی ثروت را مجموعه‌ای از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مکانی و آیندسماز می‌داند. در این چارچوب، درآمد و اشتغال تنها بخشی از ثروت‌اند و اعتماد اجتماعی، ثلق شهروندان، دانش و مهارت، جایلیت مکان و توان شهر برای خلق فرصت‌های تازه نیز در این تعریف جای می‌گیرند. او با اشاره به اثباتش تاریخی اصفهان، از میدان‌ها، بازارها، مساجد،

طعم‌های ماندگار؛ روایتی

از خوراکی‌های بومی

بر خوار و میمه



سوغات بومی و صنایع دستی برخوار و میمه، ظرفیتی برای حفظ میراث فرهنگی و رونق اقتصاد محلی است. وقتی پای سفر به شهرستان پهناور و تاریخی برخوار و میمه در استان اصفهان به میان می‌آید، جغرافیا رنگ دیگری به خود می‌گیرد؛ از دشت‌های آفتاب‌گیر گرفته تا اقلیم نیمه‌کوهستانی آن، بستر رویش و تولید محصولاتی ناب و خوراکی‌هایی اصیل شده است که هر مسافری را با خاطره‌ای خوش و طعمی ماندگار بدرقه می‌کنند. در این خطه، سوغات تنها یک هدیه نیست، بلکه عصاره‌ای از خاکه، تلاش و فرهنگ دیرینه مردمان سخت‌کوش کویر است.

احیای هویت در تار و پود؛ صنایع دستی برخوار و میمه به منابه‌پیشران اقتصاد محلی

شهرستان برخوار و میمه، با برخورداری از پیشینه‌ای کهن و درهم‌تنیدگی با سنت‌های اصیل ایرانی، اکنون در نقطه‌ای حساس از گذار میان معیشت‌های سنتی و تقاضاهای مدرن قرار گرفته است. صنایع دستی در این منطقه، فراتر از یک فعالیت صرفاً هنری، به عنوان یک ظرفیت بزرگ برای اشتغال‌زایی بومی، حفظ میراث نامولوس فرهنگی و بازآفرینی هویت اجتماعی در حال گذار شناخته می‌شود؛ ظرفیتی که نیازمند رویکردی نظاممند برای عبور از بازارهای سنتی و ورود به زنجیره‌های ارزش جهانی است.

قالی‌بافی؛ میراثی که همچنان زنده‌است

قالی‌بافی در این منطقه، فراتر از یک صنعت، ریشهای عمیق در فرهنگ عامه مردم برخوار و میمه دارد. اگرچه تحولات اقتصادی و صنعتی شدن منطقه در دهه‌های اخیر، بخشی از تمرکز نیروی کار را به سمت مشاغل صنعتی سوق داده است، اما همچنان بافت فرش‌های دستباف با نقشه‌ها و رنگ‌بندی‌های خاص منطقه، در کارگاه‌های کوچک خانگی و قالی‌بافی‌های متمرکز دیده می‌شود. این هنر-صنعت، نه تنها به عنوان یک منبع درآمد برای زنان سرپرست خانوار، بلکه به عنوان عاملی برای پیوند نسل‌ها عمل می‌کند. چالش اصلی در این حوزه، نه در کیفیت بافت، بلکه در طراحی متناسب با نیازهای بازارهای روز و فقدان برندینگ برای فرش‌های تولیدی این شهرستان است که باعث می‌شود ارزش افزوده‌نهایی محصول نه‌در جیب تولیدکننده محلی، بلکه در بازارهای عمده‌فروشی شهرهای بزرگ‌تر توزیع شود.

هنرهای وابسته به چوب و فلز؛ ظرفات‌های بومی در کنار قالی‌بافی، هنرهایی مانند مرقع، منبت و ساخت سازه‌های سنتی چوبی که ریشه در معماری کهن این منطقه دارند، ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای توسعه دارند. در بخش‌هایی از میمه، به دلیل دسترسی به منابع طبیعی و پیوند با کشاورزی، ساخت مصنوعات چوبی با استفاده از چوب درختان بومی، بخشی از زیست‌بوم اقتصادی را

شکل داده است. با این حال، آنچه در این حوزه بیش از پیش دیده می‌شود، نیاز به آموزش‌های فنی پیشرفته برای ارتقای تکنیک‌های سنتی با طراحی صنعتی است. صنایع دستی فلزی نیز به واسطه حضور صنایع بزرگ فولادی در همسایگی این منطقه، پتانسیل آن را دارند که با رویکردی نوآورانه و با استفاده از ضایعات یا مواد اولیه موجود در منطقه، به سمت تولیدات دکوراتیو و هنری حرکت کنند که می‌تواند ارزش افزوده بالایی ایجاد کند. چالش زنجیره ارزش و ضرورت حمایت‌های نهادی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های صنایع دستی در برخوار و میمه، عدم وجود یک زنجیره ارزش منسجم است. بسیاری از هنرمندان و صنعتگران این منطقه در حلقه‌های ابتدایی زنجیره (تولید مواد اولیه یا بافت) باقی‌مانده‌اند و به بازارهای نهایی، بسته‌بندی استاندارد و شبکه‌های توزیع دیجیتال دسترسی ندارند. برای بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها، لازم است شهردری‌ها و نهادهای توسعه‌ی منطقه با تغییر نگاه از رویکردهای حمایتی مقطعی به سمت ایجاد خوشه‌های کسب‌وکار صنایع دستی حرکت کنند. ایجاد فضاهای کار اشتراکی که بتواند هنرمندان را به طراحان و بازاربایان متصل کند، می‌تواند تحولی جدی در اقتصاد محلی ایجاد نماید.

صنایع دستی به مثابه ابزار بازآفرینی شهری و روستایی نگاه به صنایع دستی در این منطقه باید از یک فعالیت صرفاً اقتصادی به یک رویکرد در مدیریت شهری و توسعه روستایی تغییر یابد. با توجه به بافت تاریخی موجود در برخی نقاط برخوار و میمه، می‌توان از صنایع دستی به عنوان محور جذب گردشگر بهره برد. تبدیل خانه‌های تاریخی به کارگاه‌های تولید زنده که در آن گردشگر می‌تواند فرایند خلق اثر را مشاهده و خریداری کند، نه تنها به حفظ بناهای ارزشمند کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا اقتصاد فرهنگ‌بنیان جایگزین بخش‌های آسیب‌پذیر اقتصاد سنتی شود. این راهبرد می‌تواند مانع از مهاجرت جوانان به کلان‌شهرها شده و انگیزه‌ای برای ماندگاری و اشتغال‌زایی در زادگاه فراهم آورد

پایان مرمت اضطراری

بخش‌هایی از تزیینات کاخ چهلستون



رنگ‌ها از ماده پریمال با غلظت ۱۰ درصد استفاده شد و موزن‌سازی رنگی بخش‌های آسیب‌دیده نیز با بهره‌گیری از آبرنگ و رنگ‌های همگون انجام گرفت. او تأکید کرد: این اقدامات با رویکرد پاک‌سازی سبکی و مرمت حفاظتی صورت گرفته است تا ضمن تثبیت وضعیت موجود، از ریزش بیشتر تزیینات و گسترش آسیب‌ها جلوگیری شود. هادی‌پور، ترمیم و بازسازی بخشی از درها و پنجره‌های آسیب‌دیده مجموعه را از دیگر اقدامات انجام‌شده برشمرد و گفت: این بخش از عملیات با استفاده از اعتبارات وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و منابع استانی به نتیجه رسیده است. او با اشاره به ضرورت نظارت تخصصی بر این اقدامات اظهار داشت: تمامی عملیات مرمتی و حفاظتی زیر نظر کارشناسان و ناظران پایگاه و با بهره‌گیری از استادکاران متخصص انجام شده است. مدیر پایگاه میراث جهانی چهل‌ستون خاطرنشان کرد: اقدامات صورت‌گرفته در مرحله رفع خطر و حفاظت اضطراری قرار دارد و هدف اصلی آن، نگهداری تزیینات تاریخی، پیشگیری از تخریب بیشتر و فراهم کردن زمینه حفاظت اصولی از این آثار در سال‌های آینده است.

۴ مستندسازی آسیب‌ها برای مرمت جامع چهل‌ستون

هادی‌پور با اشاره به مستندسازی وضعیت تزیینات و بخش‌های آسیب‌دیده گفت: شواهد مربوط به آسیب‌ها و اقدامات انجام‌شده ثبت و مستندنگاری شده است و شاهدنگاری‌های شیشه‌ای نیز برای پایش وضعیت و پیگیری تغییرات احتمالی صورت گرفته است. او افزود: اطلاعات و مستندات مربوط به این آسیب‌ها در طرح مرمت جامع مجموعه که از سوی مشاور در دست تهیه است، لحاظ شده و اقدامات اجرایی نیز مرحله به مرحله با دریافت نظر مشاور و بر اساس ملاحظات تخصصی پیش رفته است. مدیر پایگاه میراث جهانی چهل‌ستون با استفاده از برس‌های مویی و به صورت مجموعۀ تاریخی گفت: با وجود آسیب‌های واردشده در جریان جنگ چهل روزه، اقدامات انجام‌شده امکان بازگشت مجموعه به شرایط خدمت‌رسانی و پذیرش بازدیدکنندگان و گردشگران را فراهم کرده است.

مدیر پایگاه میراث جهانی چهلستون اصفهان از پایان عملیات مرمت اضطراری بخش‌هایی از تزیینات آسیب‌دیده این مجموعه در پی جنگ چهل روزه خبر داد و گفت: این اقدامات با هدف تثبیت رنگ‌ها، پاک‌سازی تزیینات، جلوگیری از ریزش بیشتر و حفاظت از بخش‌های آسیب‌دیده بنا، زیر نظر کارشناسان و ناظران پایگاه انجام شد. مصطفی هادی‌پور اظهار داشت: آسیب‌های ناشی از جنگ چهل روزه به بخش‌هایی از مجموعه میراث جهانی چهلستون از جمله تزیینات و درها و پنجره‌ها وارد کرده بود که به موجب فرورفتن شیشه‌های شکسته شده در تزیینات، آسیب این بخش‌ها دوچندان شده بود و همین ضرورت انجام اقدامات فوری حفاظتی را برای جلوگیری از گسترش خسارت‌ها افزایش داد. او افزود: شکستگی شیشه‌ها و ریزش بخش‌هایی از تزیینات، در کنار آسیب‌های باقی‌مانده از مرمت‌های نادرست در دوره‌های گذشته، از جمله مشکلاتی بود که در جریان بررسی وضعیت بنا شناسایی شد. مدیر پایگاه میراث جهانی چهلستون بیان کرد: شکستگی درها و پنجره‌ها نیز موجب ورود گرد و غبار و نشست آن بر سطح تزیینات شده بود که می‌توانست زمینه‌ساز آسیب‌های بیولوژیک و تشدید فرسودگی این بخش‌ها شود؛ ازاین‌رو، مرمت تزیینات و ترمیم درها و پنجره‌ها در اولویت اقدامات حفاظتی پایگاه قرار گرفت.

۴ تثبیت رنگ‌ها و پاک‌سازی تزیینات آسیب‌دیده

هادی‌پور با تشریح اقدامات انجام‌شده برای حفاظت از تزیینات چهلستون گفت: بخشی از نقوش گل‌بوته شاه‌عباسی و اسلیمی در تالار اصلی، از جمله قسمت‌هایی از چغیری‌های فوقانی، در جریان جنگ چهل روزه آسیب دیده بود که مرمت و پاک‌سازی آن‌ها با رعایت ملاحظات حفاظتی انجام شد. او تصریح کرد: در این مرحله، ابتدا پرداخت و غبارروبی سطح تزیینات با استفاده از برس‌های مویی و به صورت دستی انجام گرفت؛ سپس رنگ‌های پوسته‌شده با استفاده از آب مقطر و الکل تثبیت و پاک‌سازی شیمیایی بخش‌های مورد نیاز صورت گرفت. مدیر پایگاه میراث جهانی چهلستون افزود: در ادامه، برای تثبیت

۳۴ پژوهشگر دانشگاه

کاشان در جمع دانشمندان ۲ درصد برتر جهان



پایه‌نشان‌دهنده ظرفیت‌های علمی متنوع دانشگاه‌ها نقش مؤثر انتشار فهرست جدید دانشمندان دو درصد برتر جهان در سال ۲۰۲۶، از حضور ۳۴ پژوهشگر مرتبط با این دانشگاه در این فهرست خبر داد و ورود اساتید علوم انسانی برای نخستین‌بار به این فهرست را نشان‌دهنده تنوع و رشد ظرفیت‌های علمی دانشگاه‌داند.

حسین خراسانی‌زاده اظهار کرد: این فهرست بر اساس گزارش مؤسسه انتشاراتی الزویر و پژوهش محققان دانشگاه استنفورد، با استفاده از داده‌های پایگاه استادی اسکوپوس تهیه شده است.

در این گزارش، پژوهشگران براسناد در دو بازه زمانی کوتاه‌مدت (عملکرد استنادی سال ۲۰۲۵) و بلندمدت (عملکرد علمی در طول دوره فعالیت پژوهشی تا پایان سال ۲۰۲۵) معرفی شدند. او حضور موسی خلفی و مجید صدوقی، دو عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی را از نکات برجسته گزارش امسال عنوان کرد و افزود: برای نخستین‌بار حضور استادان علوم انسانی در این فهرست، در کنار پژوهشگران حوزه‌های فنی، مهندسی و علوم